

«بی‌بی مریم» ناجی محکومان قصاص

گفت‌وگو با «مریم کارگردستجری»، فعال اجتماعی که
واسطه صلح‌وسازش ۴۰ پرونده قتل برای نجات افراد
محکوم به قصاص شده است

صادق جهانی | روزنامه‌نگار

پرونده

«مریم کارگردستجری»، بانوی خیر و فعال اجتماعی ساکن اهواز که میان عده‌ای از اولیای دم به «بی‌بی مریم» معروف شده، در زمره کسانی است که از سال ۹۵ تاکنون فعالیتش را متمرکز و معطوف بر جلب رضایت از خانواده‌های مقتولان کرده و مسئولیت خطیر شفاعت و میانجی‌گری پرونده‌های مرتکبین قتل‌های بدون برنامہ قبلی را پیش می‌برد. او در طول پنج سال فعالیت مستمر و در همه پرونده‌هایی که فرایند جلب رضایت‌شان را عهده‌دار است، با به خرج دادن صبر و سعه‌صدر از خانه‌های هیچ‌یک از اولیای دم ناامید بیرون نیامده و تلاش‌هایش در کنار اعضای «جمعیت معتمدین صلح‌وسازش خوزستان» منجر به راهی محکومان از مجازات قصاص نفس شده است. در پرونده امروز به سراغ دستجری رفتیم و از علاقه‌اش به این حوزه، شیرینی و سختی‌های کارش و... پرسیدیم.

یکی، دو جلسه اول فقط سکوت می‌کنم تا اولیای دم صحبت کنند

شاید برای شما خوانندگان هم سوال پیش بیاید که گفتمان دستجری با خانواده‌های اولیای دم و از پیشبرد موفقیت‌آمیز پرونده‌ها چیست که می‌گوید: «بعد از اخذ تاییدیه و حکم اخلاق زندانی که ارزش آزاد شدن به‌عنوان یک فرد مفید را جامعه را دارد، شروع به میانجی‌گری می‌کنم. همچنین مددکارهای زندان می‌گویند که آیا اولیای دم تمایلی به رضایت‌دادن دارند یا نه؟ این طور نیست که من بروم در خانه اولیای دم را بزنم و بگویم برای رضایت گرفتن آمده‌ام، بالاخره ناراحت می‌شوند. معمولاً یکی دو جلسه اول فقط سکوت می‌کنم تا آن‌ها صحبت کنند. زمانی که تاییدشان می‌کنم، برایشان تسکین و مایه آرامش است. به آن‌ها تاکید می‌کنم که من یک بی‌طرفم، نه فامیل قاتل و فقط دوست دارم ختم به‌خیر شود. خدا را شکر تا به حال شاهد رفتار بدی از اولیای دم نبوده‌ام.»

بهمن دان، حسن اسدی و نعیمه نظام‌دوست هم کمکم کردند

از خانواده مقتول دیگر رضایت گرفتیم و در مدت زمان کوتاهی پانصد میلیون دیه‌شان را پرداخت کردیم. نحوه قتل هم این‌طور بوده که مصطفی (قاتل) به همراه برادرش و چند نفر دیگر از دوستانش برای پیدا کردن گنج به یک قبرستان می‌روند. از قضا متولی قبرستان، روبروی منزلش با دامادشان قرار دعوا داشته، به محض این که خودروی مصطفی سر می‌رسد، متولی قبرستان با خیال این که دامادشان برای دعوا آمده از خانه بیرون می‌آید و مصطفی هم که برای پیدا کردن گنج رفته بود، ناگهان هول می‌شود و شروع به تیراندازی می‌کند که تیرها به برادرش و متولی قبرستان اصابت می‌کند. در نهایت خانواده متولی قبرستان با دریافت ۵۰۰ میلیون دیه رضایت دادند. بهتر بگویم آن‌ها همدیگر را نمی‌شناختند، خصوصاً باهم نداشتند و متولی قبرستان منتظر دامادشان بود.»

دستجری در ادامه از پرونده‌ای می‌گوید که در فرایند جلب رضایتش فراز و نشیب بیشتری طی کرده است: «همان‌طور که گفتم به پرونده‌های با آلت قتاله وارد نمی‌شوم. اما در یک قتل که با اسلحه شکاری رخ داده بود به‌خاطر همسر جوان و دختر بچه قاتل احساساتی شدم و پرونده‌اش را قبول کردم که البته آقایان حسن اسدی، بهمن دان و خانم‌ها سانا زسماواتی و نعیمه نظام‌دوست برای تامین دیه و جلب رضایت کمک کردند. به‌خاطر وقوع دو فقره قتل باید مسیر سختی طی می‌شد و کسی مایل به پیش‌بردن پرونده نبود. ماجرا مربوط به آقایی بود که برادر خودش و یک فرد دیگر را به قتل رسانده بود. از آن جایی که مادر مقتول، مادر قاتل هم می‌شد، برایش سخت بود و نمی‌دانست به آزادی فرزند قاتلش رضایت دهد یا برای کشته‌شدن فرزند دیگرش گریه کند. مدام می‌گفت بسم که فوت کرده یک پسر دیگر هم که قاتل است یک دختر دارد. بالاخره به رضایت ختم و با غم و مشروط بهمن سال گذشته آزاد شد. همین‌طور

برخی مادر زندانیان از شنیدن خبر آزادی فرزندشان فوت می‌کنند

«زمانی که زندانیان با من تماس می‌گیرند و می‌بینم که حالشان خوب و سرکار و زندگی‌شان هستند حس و حال خوبی پیدا می‌کنم». دستجری با این مقدمه از زندانی محکوم به اعدام می‌گوید که خاطر آزادی‌اش بیشتر از پرونده‌های دیگر در ذهنش ماندگار شده است: «آقایی بود با بیست سال حبس که زمان آزادی خواهرزاده‌هایش را نمی‌شناخت چون آن زمان، بچه‌ها کوچک بودند که او روانه زندان شده بود. دو، سه مورد پرونده دیگر هم مدت زمان حبس زندانی طولانی شد و زمانی که مادران‌شان در جریان آزادی فرزندشان قرار گرفتند، متأسفانه از شدت خوشحالی ذوق مرگ شدند و فوت کردند.»

فقط یک پرونده مربوط به خانم‌ها را پیگیری کردم

دستجری در پاسخ به سوال بعدی ام‌مبنی بر این که چه تعداد از پرونده‌هایی که پیگیری کرده، مربوط به آقایان و چه تعداد هم خانم‌ها بوده پاسخ می‌دهد: «تمام پرونده‌ها به جز یک مورد مربوط به آقایان بوده است. پرونده‌ای بود از یک خانم که فقط برای تامین دیه‌اش از خیران کمک گرفتم. ماجرا هم از آن قرار است که شوهری به‌خاطر اعتیاد، زنش را برای تامین هزینه موادش مجبور به تن‌فروشی می‌کرد و چون به گفته خودش راه نجات و خلاصی نداشت، شوهرش را به قتل رسانده بود.» در پایان «دستجری» درباره تلاش‌ها و فعالیت‌های جمعیت معتمدین صلح‌وسازش خوزستان هم می‌گوید: «اول لازم می‌دانم از آقایان دکتر سهرابی، رئیس جمعیت معتمدین صلح‌وسازش، دهقانی، و کیل و حاج عباس عربی، بابت حمایت‌ها و مشورت‌های ارزنده‌شان تشکر و قدر دانی کنم. از فعالیت در جمع خیران و اعضای صلح‌وسازش حس و حال خیلی خوبی دارم چون همگی‌شان برای یک هدف تلاش می‌کنند. بدون چشمداشت و مانند یک خانواده با همدیگر همفکری می‌کنند تا پرونده‌ها به سرانجام برسد.»

اولین پرونده ام مربوط به یک

پسر ۲۵ ساله بود

به‌عنوان سوال اول از دستجری می‌خواهم که از علاقه و تصمیمش مبنی بر میانجی‌گری در پرونده‌های قتل بگوید: «سال‌هایش، یک روز که به‌خانه‌سالمن‌دار رفته بودم، خانمی حدوداً ۶۰ ساله را که ندی آورد بود، دیدم. گفت پسر ۲۵ ساله‌ام به جرم قتل زندانی و به اعدام محکوم شده و برای آزادی‌اش باید دیه پرداخت کنیم، اما با کمبود بودجه مواجهیم. من هم به‌واسطه آشنایی‌ام با چندین خیر قبول کردم که کمکش کنم و بالاخره مبلغ دیه تامین و روزی که همراه آن مادر برای آزادی فرزندش به زندان رفتم و شاهد در آغوش گرفتن‌شان بودم، حس و حال خوب و عجیبی به من دست داد. همین پسر حتی دو بار تا قرنطینه و پای چوبه‌دار رفت که در نهایت اولیای دم با تامین دیه گذشت کردند. در واقع اولین ورودم به پرونده‌های قتل برای جلب رضایت از اولیای دم همین مورد بود و بعد از آن سه سال به‌صورت گمنام به فعالیت‌ام ادامه دادم. این راهم بگویم فقط به‌خاطر دل خودم این کار را می‌کنم نه چیز دیگری.»

به‌خاطر خانواده زندانیان به

زندانیان کمک می‌کنم

«همین که بتوانم به حرف مردم گوش کنم برای حل مشکلات‌شان قدمی بردارم، حالم خوب می‌شود»، دستجری با این مقدمه به حس و حالش از پیگیری پرونده‌های جنایی اشاره می‌کند و می‌گوید: «اگر روزی این کار را انجام ندهم، شب‌ها با عذاب وجدان می‌خواهم که چرا می‌توانستم کاری کنم اما نکردم. به کسی هم نه نمی‌گویم، یعنی شده تماس گرفته‌اند که برای تامین دیه به یک میلیارد و پانصد میلیون نیاز داریم و دلم نمی‌آید جواب رد بدهم. می‌گویم خبرتان می‌کنم و انگار که معجزه رخ می‌دهد و هزینه دیه تامین می‌شود. هنوز که هنوز است مصمم این کار را انجام می‌دهم. البته آن‌هم فقط به‌خاطر مادران و خانواده‌های زندانیان، نه فرزندانی. خود زندانی که جر می‌مرتب‌شده باید مجازات شود ولی به اولیای دم برای قصاص حق صدر صدمی دهم. اما کسانی که در عذاب‌اند خانواده‌هایشان هستند.»

پیگیر آزادی فردی هستم که

۱۲ سال پیش زندانی شده است

او درباره‌سی و نهمین پرونده‌ای که برای نجات قاتل از قصاص به‌ثمر رسانده می‌گوید: «قاتلی ۴۷ ساله از دوازده سال پیش، یعنی ۲۵ سالگی در زندان است. از طرفی پدر و مادر مقتول فوت کرده‌اند و الا و ارثان، اولیای دم محسوب می‌شوند. ۹۰ نفر ندی و رضایت‌عزیزان تقریباً حاصل شده است. این راهم بگویم معمولاً پرونده‌هایی که به آن‌ها ورود می‌کنم زمان زیادی از مدت حبس‌شان گذشته است. برای مثال بار سال پیگیری پرونده شخصی شدم که بیست سال حبس کشیده و مرتب قتل شبه‌عمد شده بود. سال ۷۹ به پرداخت دیه محکوم شد و بعد از گذشت بیست سال، ۴۴۳ میلیون به‌عنوان دیه تامین و زندانی آزاد شد که بابتش خیرانی از شهرهای مختلف کشور کمک کردند.»

به پرونده‌های با آلت قتاله و

تجاوز به‌عنف اصلاً ورود نمی‌کنم

دستجری حوزه فعالیتش به جغرافیای خاصی از ایران محدود نمی‌شود. او درباره ملاک‌ها، معیارها و نوع پرونده‌های انتخابی‌اش هم می‌گوید: «نکته مهم این که من به پرونده‌هایی که با آلت قتاله رخ داده باشند و همچنین پرونده‌های تجاوز به‌عنف اصلاً ورود نمی‌کنم. چون عذاب وجدان می‌گیرم. فقط به آن‌هایی وارد می‌شوم که بدون آلت قتاله و همچنین بدون قصد و نیت قبلی رخ داده باشد. برای مثال دو فرد مشاجره می‌کنند، همدیگر را اهل می‌دهند و شخص مقابل می‌آید که از خودش دفاع کند، اما بر اثر اصابت سرش با لبه سنگ، فوت می‌کند.»



آپشن‌های اولین خودروی اپل لورفت!

جزئیاتی از تصاویر خبره‌کننده و امکانات باورنکردنی خودروی «اپل وان» که توسط یکی از مطرح‌ترین گرافیک‌سازهای صنعت خودرو منتشر شده است

مجید حسین زاده | روزنامه‌نگار

شرکت پرآوازه اپل، چندین سال است که برای ساخت یک خودروی برقی در حال تلاش و برنامه‌ریزی است اما تا امروز، هیچ اطلاعات معتبری درباره‌روال انجام این پروژه لو نرفته است. به همین دلیل است که توجه بسیاری از خودروسازهای بزرگ جهان به این مسئله جلب شده و مردم هم دوست دارند تا کم و بیش با آپشن‌های این خودرو که قرار است تا چند سال آینده رونمایی شود، آشنا شوند. تاکنون طراحان زیادی تلاش کرده‌اند تا اولین خودروی شرکت اپل را با توجه به اطلاعات درز کرده در فضای مجازی و سایت‌ها از زبان مهندسان و متخصصان این شرکت، بازطراحی کنند اما این طرح‌ها اغلب از سوی بسیاری از کارشناسان رد شده‌اند. در این بین، به‌تازگی یک طراح سرشناس با نام «جان پیزرت»، طرحی از یک خودروی SUV (مخفف کلمه‌های Sports Utility Vehicle) که ترکیبی از خودروی ورزشی و دارای آپشن‌های سودمند) را منتشر کرده است. طرحی که به‌نظر می‌رسد نزدیک‌ترین طرح به خودرویی باشد که اپل قرار است آن را در آینده به‌عنوان اولین خودروی برقی خود، روانه بازارها کند. این طرح‌ها همچنین همراه با جزئیاتی است که می‌تواند ما را با آن چه در آینده خواهیم دید، بیشتر آشنا سازد.



این خودرو سال ۲۰۲۵ رونمایی می‌شود

انتشار اولین خبرهای مربوط به طراحی و تولید خودرو توسط اپل به سال ۲۰۱۵ برمی‌گردد؛ اما در سال ۲۰۱۶ شنیده‌ها حکایت از این داشتند که اپل به دنبال تولید نرم‌افزاری ویژه خودروهاست تا بتواند اپل‌سیس آن را به شرکت‌های خودرو ساز بفروشد. یک سال بعد، اپل حدود ۲۰۰ نفر از کارکنان تیم طراحی خودروی خود را اخراج کرد و ابهامات زیادی در خصوص این پروژه به‌وجود آمد. اندکی بعد مجدداً خبرهایی منتشر شده که اپل در حال طراحی خودروی برقی خود است که احتمالاً به‌علت همه‌گیری ویروس کرونا تا سال ۲۰۲۵ رونمایی نخواهد شد. از همان زمان طراحان تصاویر تخیلی خودرو و هریک تلاش کردند تا با اطلاعات اندک موجود از این خودرو، طرح‌های تخیلی آن را بازسازی کنند اما در نهایت هیچ‌یک از این طرح‌ها نتوانست تأیید کارشناسان را دریافت کند. بالاخره یک طراح سرشناس با استفاده از جزئیات افشا شده از این خودرو در نهایت طرحی را بازسازی کرد که توجه همگان را به خود جلب کرد. جان پیزرت، با انتشار تصاویری جالب از یک خودروی SUV برقی، مدعی شد که این اولین خودروی اپل قرار است در دومدل Apple One و Apple One Sport، تولید و عرضه شود. این تصاویر به قدری جذاب هستند که اگر به‌طور رسمی از سوی طراح‌ان‌ها با عنوان «رندر» (طرح گرافیکی سه‌بعدی) منتشر نشده بود، هر بیننده‌ای را بر آن می‌داشت باور کند که به تصاویر واقعی اولین خودروی اپل نگاه می‌کند.

Apple One، گران‌ترین خودروی جهان خواهد شد

جان پیزرت در گزارشی که به‌همراه این تصاویر منتشر کرده است، می‌نویسد: «من معتقدم وقتی اپل بخواهد وارد بازار خودرو شود، در نهایت گزینه SUV برقی را برای این ورود انتخاب خواهند کرد چرا که چنین خودروهایی بیشترین جذابیت را در میان خریداران خودروهای برقی لوکس دارد». طبق اظهارات جان پیزرت، Apple One یک خودروی لوکس خواهد بود که در کنار گران‌ترین خودروهای موجود در بازار جهان یا شاید به‌تنهایی به‌عنوان گران‌ترین خودروی جهان، در فروشگاه‌های برتر اپل در سراسر جهان عرضه خواهد شد. علاوه بر تصاویر بازسازی شده، جان پیزرت اطلاعات تکمیلی بیشتری از این خودروها در اختیار ما قرار می‌دهد که جالب توجه به‌نظر می‌رسند.

آپشن‌هایی که هوش از سرتان می‌برد

Apple One دارای سیستم خروجی ۹۶۹ اسب بخار و گشتاور ۱۳۰۰ نیوتن متر است (برای مقایسه جالب است بدانید که مدل‌های مختلف پراید بین ۶۳ تا ۷۱ اسب بخار دارند). این خودرو چهار موتور الکتریکی برای پشتیبانی از هر چهار چرخ دارد و شعاع حرکتی آن بایک بار شارژ ۸۰۰ مایل خواهد بود. همچنین این خودرو دارای ۵ صندلی اصلی و ۲ صندلی اضافی است و گفته می‌شود در چهار رنگ نقره‌ای، گرافیتی، آبی اقیانوس آرام و طلایی در دسترس خواهد بود و از طرح چوب برای تزئینات بخش عقب و در آن بهره گرفته شده است.

امادر نمونه Apple One Sport شاهد مشخصاتی جذاب‌تر هستیم. سیستم خروجی این خودرو به مراتب بالاتر از مدل Apple One است اما شعاع حرکتی آن به ۶۵۰ مایل محدود شده است. این خودرو هم از چهار موتور الکتریکی برای هریک از چرخ‌ها بهره می‌برد اما تنها چهار صندلی اسپرت دارد و تنها در یک رنگ (خاکستری فضایی) عرضه می‌شود. تزئینات داخلی نیز از کربن و کروم سیاه‌شده و از طرح‌های مشابه فضاپیما بهره گرفته شده است.

همچنین گفته می‌شود برخی از مشخصه‌ها در هر دو خودروی برقی اپل مشترک است که می‌توان به این موارد اشاره کرد: سقف پانورامای خورشیدی، نشان اپل به صورت چراغ روشن در جلو، شیشه جلوی خودرو بدون نیاز به برف پاک‌کن، شارژی بی‌سیم خودرو، چراغ‌های جلویی لیزری با آیکون پروژکتور، درهای پروانه‌ای با کنترل حرکت خودکار، صندوق عقب اتوماتیک دو تکه با کنترل حرکت و در نهایت، بر خوراری از ۵ سطح متفاوت برای قابلیت خودروان.

